

نشریه ادبیات تطبیقی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵  
**قدس در شعر یوسف العظم و محمود شاهرخی**  
(علمی - پژوهشی)

علی اصغر روان شاد\*<sup>۱</sup>

زهیر عباسی<sup>۲</sup>

### چکیده

یوسف العظم، شاعر معاصر اردنی (۱۹۳۱-۲۰۰۷م) و محمود شاهرخی، شاعر معاصر ایرانی (۱۳۰۶-۱۳۸۸ش)، به فلسطین و قدس اهتمام داشته و در این زمینه، سروده‌هایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. هر دو شاعر، به مدح و ثنای قدس اقدام کرده و آن را با القابی گوناگون و از جمله، قبله نخستین، محراب، معبد، مروارید، کوثر و بهشت خطاب کرده‌اند. آن دو، با سینه‌ای اندوهگین، اشغال قدس، آوارگی، کشتار و تنهایی مردم را در این فاجعه ترسیم کرده‌اند. در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، سعی می‌شود که با بررسی سروده‌های یوسف العظم و محمود شاهرخی، جایگاه قدس و چگونگی بازتاب مسائل مربوط به آن، در شعر این دو شاعر تبیین شود. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که هر دو شاعر، با یادآوری قداست و جایگاه معنوی قدس نزد ادیان الهی، ضمن دعوت مردم به مبارزه و مقاومت، آنان را به نصرت الهی و پیروزی نهایی امید می‌دهند. آن دو، با بهره‌گیری از الفاظ و معانی قرآن کریم، هم به زیبایی و غنای کلام خود می‌افزایند و هم اهداف و پیام‌های خود را به خوبی بیان می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی: قدس، یوسف العظم، محمود شاهرخی، ادبیات تطبیقی.**

<sup>۱</sup> - استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد: ravanshada@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد: zuhayrabbasi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۰

## ۱- مقدمه

قدس نزد ادیان الهی، دارای احترام بوده است. نزول آیات قرآن و وجود پیامبران بزرگ الهی در آن و توجه خاص آنان به این سرزمین، بر قداست و معنویت این مکان والا افزوده است. بیت المقدس در ادوار تاریخی گذشته، فراز و فرودهایی را طی کرده و وقایع متعددی را تجربه کرده است که مهم ترین آن در دوره معاصر، اشغال به وسیله رژیم صهیونیستی است. این رویداد، شاعران را بر آن داشته است که در سروده های خود، به ستایش و بیان تاریخ قدس، اشغال این سرزمین و کشتار و آوارگی مردم همت گمارند.

### ۱-۱- بیان مسئله

یوسف العظم، یکی از شاعران و سیاستمداران اردنی است که فاجعه فلسطین و قدس، محور اساسی سروده های وی به شمار می آید. تشویق مداوم به مبارزه و مقاومت در برابر دشمنان، اهتمام به آزادسازی فلسطین و مقدسات آن، از ویژگی های اشعار این شاعر است. (ن.ک: الناعوری، ۱۹۸۰: ۱۲۶) از دیگر ویژگی های قدس سروده های وی، بهره گیری لفظی و معنوی از قرآن کریم است. نظر به اهتمام ویژه العظم به قدس و مسائل مربوط به آن، به او لقب «شاعر القدس» و «شاعر الأقصى» داده اند. در ایران نیز محمود شاهرخی، از شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که در زمینه فلسطین و بویژه قدس، اشعاری را از خود باقی گذاشته است. تلفیق عاطفه و هیجان و غلبه زبان حماسی و رجز برای برانگیختن مردم، واقع گرایی، دوری از تکلف و بهره گیری از آیات قرآن و نمادهای مذهبی از شاخصه های این سروده های شاهرخی است؛ بنابراین، مسئله اصلی این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته است، تبیین جایگاه قدس و چگونگی بازتاب مسائل آن در شعر یوسف العظم و محمود شاهرخی و بررسی دیدگاه های دو شاعر در این موضوع است.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

حسین عثمان کتانه، در کتاب خود با عنوان «یوسف العظم شاعر القدس» (۱۹۸۷)، پس از نگاهی کوتاه به زندگی یوسف العظم و آثار وی، به تحلیل مضامین برخی از اشعار او همت گماشته است. نایف عبدالله النوايسه، در کتاب «فلسطین فی الشّعر الأردنی» (۲۰۰۲)، مسئله فلسطین را در شعر معاصر اردن و از جمله در شعر یوسف العظم بررسی کرده است. معصومه

شبستری، در مقاله «یوسف العظم شاعر الإسلام و القدس» (۱۳۸۴)، ضمن اشاره به زندگی شاعر، برخی از سروده‌های وی را تحلیل کرده‌است. حسین اسرافیلی، در کتاب «کوه‌ها سنگ می‌زایند» (۱۳۸۴)، اشعاری را از شاعران ایرانی در موضوع فلسطین جمع‌آوری کرده که در میان آن، سروده‌های محمود شاهرخی نیز آمده‌است. ماجد محمد النعمانی، در مقاله خود با عنوان «القدس فی دیوان (فی رحاب الأقصی) لیوسف العظم، درسه تحلیلیه» (۲۰۱۳)، جایگاه قدس و اوضاع آن را در شعر این شاعر تحلیل کرده‌است. با نگاهی به این پژوهش‌ها، درمی‌یابیم که تاکنون قدس در سروده‌های یوسف العظم و محمود شاهرخی، به صورت تطبیقی بررسی نشده‌است. پژوهش حاضر سعی دارد که این مسئله را بررسی کند.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

یوسف العظم و محمود شاهرخی، از شاعران برجسته و تأثیرگذار ادبیات پایداری در اردن و ایران هستند که سروده‌هایی درخور دربارهٔ قدس از خود به یادگار گذاشته‌اند. این اشعار، آن‌چنان که باید، بویژه از نظر تطبیقی، مورد توجه و بررسی قرارنگرفته‌است؛ بنابراین، ضرورت دارد قدس سروده‌های این دو شاعر، به‌عنوان یک تحقیق جدید بررسی شود.

### ۲- بحث

#### ۲-۱- یوسف العظم

یوسف العظم، ملقب به «شاعر القدس»، در سال ۱۹۳۱م و در شهر معان، واقع در جنوب اردن دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۹۵۳م، از دانشکدهٔ زبان عربی دانشگاه الأزهر و در سال ۱۹۵۴م، از دانشسرای تربیت معلّم دانشگاه عین شمس، فارغ‌التحصیل شد. (ن.ک: شبستری، ۱۳۸۴: ۳۷) العظم، به‌عنوان مدرّس در دانشکدهٔ علمی اسلامی عمّان فعالیت کرد. او علاوه بر تدریس، در بسیاری از روزنامه‌های اردنی و عربی به قلم‌فرسایی پرداخت و به‌عنوان سردبیر روزنامهٔ «الكفاح الإسلامي» عمّان، به کار مشغول شد و در سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۷م، نمایندهٔ پارلمان اردن بود. وی، به‌عنوان یکی از اعضای شورای اوقاف، در ترسیم سیاست‌های وزارت اوقاف نیز نقش داشت. (ن.ک: کتانه، ۱۹۸۷: ۱۹) العظم به برخی از سرزمین‌های اسلامی سفر کرد و در کنفرانس‌های متعدّدی به سخنرانی پرداخت. سرانجام، یوسف العظم در سال ۲۰۰۷م، در اردن درگذشت. دیوان‌های شعری «فی رحاب الأقصی»، «رباعیات من

فلسطین» و «السلام الهزیل» و کتاب‌های «الإیمان و أثره فی نهضة الشعوب»، «المنهزمون» و «فی رحاب الفكر الإسلامی»، از آثار العظم است. (ن.ک: محمود، قطامی و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۰۵) وی در زمینه قصه نیز داستان‌هایی را با موضوعاتی جذاب، با عنوان «أقا صیص للشباب»، به رشته تحریر درآورده است.

## ۲-۲- محمود شاهرخی

محمود شاهرخی، در سال ۱۳۰۶ ش، در بم، از شهرهای استان کرمان، به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در بم و متوسطه را در کرمان و یزد گذراند. پس از آن، در مدرسه علوم دینی کرمان به تحصیل مشغول شد. (ن.ک: صنعتی، ۱۳۸۹: ۸۲) شاهرخی در همان زمان، با عارفی از اهالی یزد به اسم «سید محمد مجذوب» (وفات: ۱۳۶۲ ش)، آشنا و شیفته او شد و سرانجام، همراه وی به یزد رفت و در آنجا به ادامه تحصیل پرداخت. عاقبت، آن عارف، شاهرخی را به دامادی برگزید. محمود شاهرخی، به واسطه ارادت به آن شیخ، تخلص «جذبه» را برای خود انتخاب کرد و پس از مدتی، به نجف رفت و در مدرسه کبرای آخوند خراسانی اقامت گزید و به تحصیل ادامه داد. شاهرخی، پس از مدتی، به سبب بیماری، ناگزیر به ایران بازگشت و در مدرسه فیضیه قم به تحصیل پرداخت. او پس از بهبودی، از کسوت طلبگی بیرون آمد و در بخش خصوصی به کار مشغول شد. (ن.ک: نجف‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۴۲)

جذبه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با حوزه هنری، صدا و سیما، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران همکاری کرد و به عضویت شورای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درآمد و با آغاز جنگ تحمیلی، بسیاری از شعرهای خود را در موضوع دفاع مقدس سرود و در سرودن، قالب کلاسیک را تجربه کرد. از شاهرخی مقالات و مجموعه‌هایی شعری، از جمله «در غبار کاروان» و «داغ شقایق‌ها» باقی مانده است. (ن.ک: بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۶۷۸/۲) محمود شاهرخی، سرانجام در سال ۱۳۸۸ ش، در تهران درگذشت.

## ۲-۳- مضامین قدس سروده‌های دو شاعر

اشغال فلسطین و بویژه قدس، به عنوان اولین قبله مسلمانان و سومین حرم شریف جهان اسلام، بر اشعار شاعران مسلمان تأثیر زیادی گذاشت. یوسف العظم و محمود شاهرخی نیز

از این موضوع مستثنی نبودند. این دو شاعر، در سروده‌های خود به قدس و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند. هدف اسرائیل مبنی بر نابودی هویت فلسطینی‌ها، العظم و شاهرخی را بر آن داشت تا در قدس سروده‌های خود، به بیان تاریخ قدس همّت گمارند. آن دو، در این سروده‌ها، صحنه‌های تلخ و دردناک اشغال بیت المقدس و هتک حرمت به آن و کشتار بی‌رحمانه مردم را ترسیم می‌کنند. در زیر مهم‌ترین درونمایه‌های این اشعار بررسی می‌شود:

### ۲-۳-۱- ستایش قدس

جایگاه رفیع و ویژه قدس در اسلام، شاعران را بر آن داشته‌است که در سروده‌های خود، به مدح و ثنای آن همّت گمارند. یوسف العظم و محمود شاهرخی نیز از این موضوع غافل نبوده‌اند و در اشعار خویش، قدس را با صفاتی برجسته مدح کرده‌اند. یوسف العظم، ضمن ستایش قدس، خاطرات شیرین خود را در آنجا، با ذکر القابی زیبا بازگویی کند:

یا روضه کانت لنا مرتعاً و کوثرأ من فیضه نثرَبُ  
و جنة فیها ربیع المُنَى فی ظلّها اکبادنا تلعبُ

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۶)

«ای باغی که برای ما مرتعی بودی و ای نهری که از آن می‌نوشتیدیم! ای بهشتی که در آن، بهار آرزوها بود و در سایه‌سار آن، جگرگوشه‌های ما بازی می‌کردند.»

العظم، با ذکر سه صفت قرآنی «روضه»، «کوثر» و «جَنَّة»، قدس را صدامی‌زند که از این طریق، علاوه بر ستایش قدس، به سرسبزی و اقلیم ممتاز آن نیز اشاره می‌کند. انتخاب این واژه‌های قرآنی برای قدس، بیانگر بینش دینی و نگاه قرآنی شاعر به این مکان مقدس نیز هست. محمود شاهرخی نیز با توجه به جایگاه بیت المقدس، این مکان والا را از بُعد دینی ستایش می‌کند و آن را محل فرود فرشتگان، سرزمین موعود، معبد الهی و گنج مقصود می‌داند:

ای مهبط افلاکیان، ای ارض موعود وی معبد خاصّ خدا، ای گنج مقصود

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۳۶۴)

شاهرخی در این بیت، چهار مرتبه از اسلوب ندا بهره برده‌است. این اسلوب، شیوه‌ای برای برانگیختن احساسات مردم، بیدار کردن وجدان و متوجه ساختن آنان به اهمیت قدس است.

از سوی دیگر، قدس جایگاه پیامبران الهی است. حضرت عیسی (ع) در نزدیکی مسجد بیت المقدس به دنیا آمد و از آنجا به آسمان رفت. حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) در بیت المقدس دفن شده اند و علاوه بر این، پیامبرانی مانند حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسحاق (ع) و حضرت یعقوب (ع) نیز در آن زندگی کرده اند. بسیاری از صحابه حضرت رسول خدا (ص) نیز هنگام فتح فلسطین حضور داشتند. برخی از آنان و همچنین عده ای از تابعین، در این سرزمین دفن شده اند. (ن.ک: صفاتاج، ۱۳۹۰: ۱۸) همه اینها بر قداست و نورانیت بیت المقدس افزوده است. یوسف العظم، در بیت زیر، به قداست و نورانیت قدس شریف می پردازد و اظهار می دارد که این مکان، از ابتدا مکانی پاک، مقدس و معطر برای نماز و عبادت مسلمانان بوده؛ ولی امروز به دست دشمنان افتاده است:

یا قدسُ یا محرابُ یا منبرُ یا نورُ یا ایمانُ یا عنبرُ

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۱)

«ای قدس! ای محراب! ای منبر! ای نور! ای ایمان! و ای عنبر!»

یوسف العظم در این بیت، شش مرتبه از اسلوب ندا استفاده کرده است. شاعر با این شیوه، قداست، نورانیت و ارزش بیت المقدس را نزد مسلمانان تبیین می کند. وی با ذکر واژه «محراب»، به ویژگی اصلی قدس شریف اشاره می کند که جایگاهی والا برای برگزاری نماز و عبادت بوده است. به نظر النعمانی، «منبر» نیز یادآور منبر صلاح الدین ایوبی است که نماد تاریخی عزت و بزرگی مسلمانان شمرده می شود. (النعمانی: ۲۰۱۳: ۱۸۹) جذبه هم در دو بیت زیر، خاک سرزمین قدس را می ستاید. از نظر وی، این خاک مبارک بیانگر ناگفته های زیادی از تاریخ انبیای الهی است:

هر ذره ز خاک آفتابی هر حرف ز دفتر کتابی

خاک تو مبارکست و فرخ سودند بر آن پیمبران رخ

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۵)

مسجد الاقصی، سومین مسجد بزرگ جهان اسلام پس از مسجد الحرام و مسجد النبوی و اولین قبله مسلمانان است که آنان تا سال دوم هجرت رو به آن نماز می گزاردند. (ن.ک:

صفحات، ۱۳۹۰: ۱۹) علاوه بر مسجد الأقصی، بیش از ۳۰ مسجد دیگر نیز در قدس شریف وجود دارد. (ن.ک: العارف، ۲۰۰۵: ۷۱۵) یوسف العظم، به عنوان «شاعر القدس»، به این مضمون چنین پرداخته است:

يا قدسُ يا محرابُ يا مسجدُ يا دُرَّةَ الأکوان يا فَرَقْدُ  
(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۳)

«ای قدس، ای محراب، ای مسجد، ای مروارید هستی، ای فرقد (ستاره‌ای در قطب شمال)» یوسف العظم در این بیت، با تأکید بر قداست و پاکی بیت المقدس، به ارزش الهی و آسمانی آن نیز می‌پردازد. النعمی می‌گوید که ترکیب «دره‌الاکوان»، بیانگر جایگاه والای این شهر مقدس در بین سایر شهرهای جهان است، همچنان که موقعیت تاریخی و جغرافیایی و سیر زمانی و مکانی آن را برای همگان روشن می‌کند. (ن.ک: النعمی: ۲۰۱۳: ۱۸۹) شاهرخی نیز با توجه به قداست و جایگاه ارزشمند بیت المقدس، آنجا را به عنوان قبله نخستین مسلمانان معرفی می‌کند.

ای ارض مقدس فلسطین أقصای تو قبله نخستین  
(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۵)

از دیگر اهداف ذکر مسجد در شعر دو شاعر، می‌تواند این باشد که تجاوز و اهانت به آن، در اصل زیرپا گذاشتن مبادی اسلام است زیرا مسجد در اسلام، پایگاه الهی و مرکز نشر معارف اسلامی شمرده می‌شود. از طرف دیگر، بیت المقدس نزد مسلمانان، مسیحیان و یهودیان تقدس دارد و یکی از جنبه‌های قداست آن از نظر مسلمانان، داستان سیر زمینی (اسرا) پیامبر اکرم (ص) است که به مسجد الأقصی ختم شد و دیگری، داستان سیر آسمانی (معراج) آن حضرت است که از مسجد الأقصی آغاز شد. این دو واقعه در تاریخ روشن قدس، چون دو ستاره می‌درخشند. یوسف العظم به این مضمون اشاره می‌کند:

کم رُتلت فی أقیها آیه! و کم دَعانا لِلهُدی مُرشِد!  
أقدامُ عیسی بارکت أرضها و فی سماها قد سَرى أحمدُ

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۳)

«چه بسیار آیات الهی که در افق آن (بیت المقدس) تلاوت شد و چه بسیار راهنمایانی که ما را به سوی هدایت فراخواندند! قدم‌های عیسی (ع)، زمین قدس را مبارک کرد و احمد (ص)، در آسمان آن شبانه سیر کرد.»

یوسف‌العظم، ضمن اشاره به نزول آیات الهی و ارسال پیامبران، به وجود حضرت عیسی (ع) و اسرای پیامبر (ص) در قدس می‌پردازد که قداست را به زمین و آسمان آن بخشیده‌اند. از نظر النوايسه، همنشینی و همراهی اعتقادات اسلام و مسیحیت در بیت دوم، بیانگر نیت‌ها و اندیشه‌های انسانی شاعر است؛ به این صورت که وی، شهر قدس را در چهارچوب اسلامی آن، شهر صلح، صمیمیت و محبت می‌داند. (ن.ک: النوايسه، ۲۰۰۲: ۲۵۲) محمود شاهرخی نیز با آگاهی از این فضایل، در ابیات زیبای زیر، اهتمام ویژه خداوند و پیامبران بزرگ به بیت المقدس را چنین تبیین می‌کند:

در شأن تو گفـت پاک یزدان	بَارَكْ-----نَا حَوْلَهُ به قرآن
در نعت تـو وادی مـقدس	فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ قول حق بس
مرز تو مقام جبریهـ لـ است	پرورده دامنست خلیل است
خاک تو به دیده کحل یعقوب	آب تو شـفـفـای رنج ایوب
موسی است ز کوی تو شـبـانی	یحیی شاگرد تـر زبانی
عیسی که همه دل است و دیده	طفلی است به مهـدت آرمیـده
احمد به شـبـ عـروج مسعود	بر خاک مقدسـت جبین سود

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۶)

شاعر در این ابیات که درباره قداست و نورانیت قدس است، از آیات قرآن کریم بهره برده است تا هم به زیبایی کلام خویش بیفزاید و هم با استفاده از آن، ارزش والای قدس را یادآوری کند. وی در شعر خویش، از سوره اسرا تأثیر گرفته است، آنگاه که خداوند فرمود:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.» (اسراء: ۱) «پاک و منزّه است آن کس که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را مبارک ساختیم، برد تا



برخی از نشانه‌های خود را به او نشان دهیم، چرا که او شنوا و بیناست.» شاعر همچنین، بخشی از سوره طه را به کار برده است: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى.» «من پروردگار تو هستم، کفش هایت را بیرون بیاور که تو در سرزمین مقدس طوی هستی.» (طه: ۱۲)

هر دو شاعر در ابیات مذکور، با بهره‌گیری از اندیشه‌های دینی و نیز با تلمیحی لطیف به داستان انبیا و بویژه داستان قرآنی معراج پیامبر(ص)، جایگاه معنوی و مقدس مسجداً الأقصى را به مردم گوشزد می‌کنند. هدف دو شاعر از بیان قداست و ارزش الهی قدس شریف، می‌تواند تنبیه و تذکری به مردم فلسطین و به صورت عام به همه مسلمانان باشد که برای مقابله و پیکار با دشمن برخیزند و اجازه ندهند که جایگاهی با این ارزش‌های والا، هتک حرمت شود.

### ۲-۳-۲- اشغال قدس

از آنجا که قدس شریف، جایگاه انبیا و اولیا بوده، نزد ادیان الهی از قداست خاصی برخوردار است و تجاوز به آن و هتک حرمتش توسط رژیم صهیونیستی، یکی از وقایع تلخ تاریخ آن است که تأثیر زیادی بر ادیان معاصر عرب و غیر عرب گذاشته است. یوسف العظم در ابیات زیر اشغال قدس را به این صورت بیان می‌کند:

أَقْدَامُ مَنْ دَاوَسَتْ رِحَابَ الْهُدَى      وَ وَجَهُ مَنْ فِي سَاحِهَا أَغْبِرُ؟  
 وَ كَفُّ مَنْ تَزْرَعُ أَرْضِي وَ قَد      حَنَا عَلَيْهَا سَاعِدِي الْأَسْمَرُ؟  
 مَنْ لَوَّثَ الصَّخْرَةَ تَلَكَّ الَّتِي      كَانَتْ بِمَسْرِي أَحْمَدٍ تَفْخَرُ؟  
 وَ أَمْطَرَ الْقَدْسَ بِأَحْـ... قَادِهِ      فَاحْتَرَقَ الْيَابِسُ وَ الْأَخْضَرُ  
 وَ دَنَسَ الْمَهْدَ عَلَى طُـ... هِرِهِ      إِلَا عَدُوُّ جَاهِدٍ أَكْفَرُ؟

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۱-۱۲)

«قدم‌های چه کسی گستره هدایت را لگدمال کرد و چهره چه کسی در آستانه آن غبارآلود است؟ داستان چه کسی در زمین من می‌کارد، در حالی که بازوان گندمگون من بر آن خمیده شد؟ چه کسی صخره‌ای را که به اسرای پیامبر (ص) افتخار می‌کرد، آلوده کرد؟ (چه

کسی) با کینه‌های خود بر قدس بارید که به دنبال آن خشک و تر آتش گرفت؟ (چه کسی) این مکان پاک را آلوده کرد؟ جز دشمن منکر کافر!

شاعر در این ابیات، از شیوه استفهام بهره گرفته تا اذهان مردم را به این موضوع مشغول کند که این سرزمین مقدس، لگدمال بیگانگان متجاوز شده است. وی از مخاطب می‌پرسد که حرمت‌شکنان ساحت هدایت الهی و اشغالگران اراضی مردم، چه کسانی هستند؟ چه کسانی صخره مقدس را که اسرای پیامبر از آن آغاز شد، آلوده کردند و مردم قدس را با کینه قلبی خود سوزاندند و به پاکی و طهارت این سرزمین اهانت کردند؟ سپس، شاعر در بیت آخر، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که این اعمال، جز از دشمن کافر و منکر بر نمی‌آید. یوسف‌العظم با بیان نشانه‌هایی از قداست مسجدالاقصی، مانند «رحاب‌الهدی»، «صخره مقدس» و «اسرای پیامبر»، قصد دارد به مردم بفهماند که این دشمنان، تجاوزگران به مقدسات الهی هستند. شاهرخی نیز در سروده زیر، با قلبی آکنده از حزن و اندوه، اشغال و تجاوز به این خطه مقدس را چنین بیان می‌کند:

اکنون ز جفای دور ایام	در بند فتاده‌ای به ناکام
ای قدس اسیر رنج‌دیده	ای محنت بی‌کران کشیده
ای مانده غمین و بی‌کس و زار	در پنجه ناکسان گرفتار
ای نای تو از خروش خسته	وی خار غمت به دل شکسته
ای زخم ز تیر خصم خورده	دل در برت از ستم فسرده

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۶)

شاعر در این ابیات، به هتک حرمت قدس و همچنین به تنهایی مردم و رنج و محنت آنان در قبال این فاجعه می‌پردازد. از طرف دیگر، اشغال مسجدالاقصی و قدس، موجی از حزن و اندوه در بین مسلمانان ایجاد کرده است. شاعران نیز سعی کردند که به بهترین شکل، این اندوه را در سروده‌های خویش بازتاب دهند. یوسف‌العظم در دو بیت زیر، ناراحتی خود را این حادثه دردناک، به این صورت بازگو می‌کند:

فی کلِّ صدرٍ من دمی دُفَقَةٌ      و کُلُّ عینٍ دَمَعَةٌ تَدْرِفُ

إِنْ ضَمَدَ الْأَسَى جِرَاحَ الْوَرَى      فَالْجُرْحُ مَنِّي رَاعِفٌ يَنْزِفُ

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۱۷)

«در هر سینه‌ای، از خون من، جراحی و در هر چشمی، اشکی است. اگر طیبی زخم‌های مردم را التیام دهد، زخم من همیشه خونریزی می‌کند (درمان‌شدنی نیست).»  
محمود شاهرخی نیز در دو بیت زیر، با قلبی محزون، گرفتاری بیت المقدس در چنگال دشمن را ترسیم می‌کند:

ای قدس ای آزرده از تیغ شقاوت      وی نای تو مجروح از چنگ قساوت

ای زخم‌ها از خنجر بیداد خورده      وی دل درون سینه‌ات از رنج مرده

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۳۶۵)

### ۲-۳-۳- دعوت به مبارزه و مقاومت

اشغال فلسطین، پیامدهایی دردناک همچون تخریب منازل، آوارگی و کشتار مردم را به دنبال داشته است. شاعران متعهد، از این فجایع چشم پوشیده‌اند بلکه همواره، مردم را به مبارزه علیه دشمن غاصب و مقاومت در برابر آن فراخوانده‌اند. یوسف العظم و محمود شاهرخی نیز در اشعار خویش، به این مهم اهتمام داشته‌اند. یوسف العظم، با آگاهی از فضیلت ایثار و فداکاری در راه خدا و دستیابی قطعی مجاهدان و ایثارگران به مقام بهشت برین، در بیتی زیبا آنان را به دفاع از قدس و آزادسازی آن دعوت می‌کند:

وَأَمْنِ الْقُدْسِ مِنْ دِمَائِكَ فَيْضاً      وَتَمَتُّعِ بِجَنَّةِ الرُّضْوَانِ

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۴۱)

«از خون جاری خود به قدس ببخش و به سبب آن از بهشت بهره‌مند شو.»

شاعر در بیت زیر تأکید می‌کند که تنها راه آزادی قدس، جهاد و مبارزه است. وی با

بیان ارزش مبارزه و مقاومت در راه خدا، مردم را به این مبارزه تشویق می‌کند:

فَأَسْتَقِيمُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَعَالِي      لَيْسَ يَحِمِّي الدِّيَارَ غَيْرُ اسْتِقَامَةٍ

(همان: ۲۹)

«پس در راه بزرگی‌ها پایداری کنید که جز پایداری، سرزمین‌ها را حفظ نمی‌کند.»

وی در جایی دیگر، آزادی قدس و حمایت از مقدسات آن را وظیفه همه مسلمانان می‌داند. به همین منظور، از آنان می‌خواهد که از خواب غفلت بیدار شوند و به وسیله ارزشمندترین دارایی خود، یعنی همان جان، در این راه ایثار کنند تا از این طریق، پرچم جاودانگی خود را در بین مردم دنیا به اهتزاز درآورند:

أُمَّةَ الْمُصْحَفِ الطُّهُورِ أَيْقِي      وَبِأَعْلَى مَا يَمْلِكُ الْخُرُّ جُودِي  
وَكَتَبِي النَّصْرَ بِالْدمَاءِ عَزِيزاً      وَارْفَعِي فِي الْوَرَى لِوَاءَ الْخُلُودِ

(همان: ۷۷)

«امت کتاب پاک و مقدس (مسلمانان)، بیدار شوید و ارزشمندترین موجودی (جان) خود را ببخشید. پیروزی گران بها را با خون خود رقم بزنید و در بین مردم، پرچم جاودانگی را به اهتزاز درآورید.»

شاهرخی نیز با یادآوری جنایت‌های دشمن، از مسلمانان می‌خواهد که با تمام وجود به مقابله با دشمن خونریز بروند. وی با سردادن ندای آزادی قبله نخستین، آنان را به پیکاری سخت تهییج می‌کند:

به پای خیز مسلمان که وقت خون خواهی است      ببین جنایت صهیونیان پرکین را  
به پای خیز مسلمان و چون شرار شهاب      بسوز خرمن صهیونی بدآیین را  
به پای خیز و رهاکن ز چنگک بدگهران      ز قعر آتش و خون، قبله نخستین را  
(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

شاعر در ابیات زیر، با کاربرد دوباره این لحن حماسی و رجز گونه، مردم مبارز را به جهاد و یاری قدس شریف فرامی‌خواند. وی در اینجا، صفاتی را می‌آورد که بیانگر شجاعت و شهامت آنان است. هدف شاعر از این ابیات، تقویت روحیه مبارزه و مقاومت رزمندگان است:

خیزید ای نام‌آوران گاه رحیل است      تیغ فلق در دست و خضر ره دلیل است  
خیزید ای دریادلان چابک سواران      رزم‌آوران، شیراوژنان، خنجر گدازان  
خیزید اینک از تف قهر جهان سوز      وز آتش رگبار و از تیر جگردوز  
خیزید ای رزم‌آوران گاه ستیز است      هنگام یاری کردن قدس عزیز است

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۳۶۳-۳۶۴)

از طرف دیگر، یوسف العظم، به عنوان «شاعر الأقصی»، در کنار دعوت به مبارزه، مردم را از سازش با دشمن باز می‌دارد. وی در بیت زیر که بیانگر هجران و فراق طولانی مردم از قدس شریف است، ضمن تأکید بر ادامه مبارزه و مقاومت، اعلام می‌کند که آنان سازش با دشمن را نمی‌پذیرند:

يا قدسُ إن طالت بنا فُرقةٌ فسيفُنا يا قدسُ لن يُغمدا

(یوسف العظم، ۱۹۸۰: ۲۲)

«ای قدس اگرچه فراق در بین ما طولانی شده است، پس ای قدس، شمشیر ما هرگز در نیام فرو نمی‌رود.»

محمود شاهرخی نیز ضمن دعوت به مبارزه و مقاومت، مردم را از سازش و صلح با دشمن منع می‌کند. او کلید پیروزی و فلاح را مبارزه و ایستادگی می‌داند و سازش و صلح با دشمن را ننگ و عار می‌شمارد:

نغشاید گِره از کار تو جز پیکار      نغزاید سخن صلح به جز ادبار  
نور بهروزی در برق سلاح توست      جنگ با خصم دغل رمز فلاح توست  
تنگ در سینه، سلاح از سرکین بفشار      عاریت جمجمهات را به خدا بسپار  
کوه‌ها گر که بجنبند تو ساکن باش      گر جهان است پر از فتنه تو آمن باش  
جنگ را باش که مفتاح ظفر جنگ است      تن به سازش مده ای مرد که این ننگ است  
(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۶۳۴)

شاعر در این ابیات، معنا را از کلام امام علی (ع) اقتباس کرده است، آنگاه که حضرت فرمود: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ. عَضَّ عَلَى نَاجِدِكَ. أَعْرَبَ اللَّهُ جُمُجْمَتَكَ ...» «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند، تو ثابت و استوار باش. دندان‌ها را بر هم بفشار. کاسه سرت را به خدا عاریت ده ...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: خطبه ۱۱) بنابراین، هر دو شاعر در اشعار خود، جهاد، مبارزه و ایستادگی را تنها راه حل مسئله قدس می‌دانند و از مردم می‌خواهند که در این طریق کوتاهی نکنند.

### ۲-۳-۴- امید به نصرت الهی

پس از شکست کشورهای عربی در برابر اسرائیل (۱۹۶۷م)، موجی از یأس و اندوه، مردم را فراگرفت و شعر مقاومت نیز در هاله‌ای از ابهام و اندوه فرورفت اما پس از انتفاضه مردم فلسطین و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امید به آینده روشن در میان مردم زنده شد و شاعران نیز دریافتند که نباید نور امید در وجود مردم خاموش شود، در غیر این صورت، آزادی قدس امکان پذیر نیست؛ به همین جهت، ضمن دعوت مردم به مقاومت و برحذر داشتن ایشان از یأس، روحیه امید را در بین ایشان زنده کردند. یوسف العظم در این باره چنین می‌گوید:

و البغیٰ مهّما طالَ عُدوانُهُ      فاللهُ مِن عُدوانِهِ أَكْبَرُ  
(العظم، ۱۹۸۰: ۱۲)

«ظلم هر چقدر دشمنی‌اش به درازا کشد، پس خداوند از دشمنی آن بزرگتر است.»  
اگرچه شاعر از ظلم و دشمنی طولانی مدت می‌گوید، بر قدرت الهی تکیه می‌زند و به خداوند امیدوار است. وی با این کار، روحیه امید را در مردم تقویت می‌کند:  
یا قُدسُ مهّما باعدوا بَیننا      فَفِی عَدِ جِیشِ الْهُدٰی یَزْحَفُ  
(همان: ۱۸)

«ای قدس اگرچه بین ما جدایی افکنده‌اند؛ ولی فردا لشکر هدایت یورش می‌برد.»  
شاعر خطاب به قدس، از فراق و هجران شکایت می‌کند ولی به پیشروی لشکر هدایت و پیروزی آن امیدوار است. جذبه در ابیات زیر، مردم فلسطین را در صحنه جهاد و دفاع مقدس به نصرت الهی امیدوار می‌کند و با تقویت باور به یاری خداوند، آنان را به امداد رسانی پروردگار و وعده‌های یاری او بشارت می‌دهد؛ به همین جهت، از ایشان می‌خواهد که در انجام وظیفه تلاش کنند:

بپای خیز و به کف گیر ذوالفقار علی      بزن به خیبریان ضربه‌های سنگین را  
در این جهاد مقدس خداست یاور تو      دوباره زنده کن آن اقتدار پیشین را  
(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

شاعر در دو بیت زیر، آزادی قدس را از چنگال دشمن مژده می‌دهد و با این کار، روحیه امید و مقاومت را در وجود مردم دوچندان می‌کند:

ای قدس به صبح وصل سوگند      کازاد شوی به زودی از بند  
این وعده صادق خدایی است      وین مژده نوید کبریایی است  
(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۸)

با نگاهی به این اشعار، درمی‌یابیم که هر دو شاعر، با تکیه به وعده نصرت الهی و تأکید بر روحیه امید در بین مردم، آنان را به مبارزه و مقاومت تشویق می‌نمایند.

### ۲-۳-۵- کشتار و آوارگی مردم

بمباران منازل و کشتار بی‌رحمانه مردم، از جنایات رژیم صهیونیستی است که بسیاری از مردم را در داغ عزیزان خود سوگوار کرده است. العظم در ابیاتی که رنگ و بوی غم دارد، شهادت جوانان فلسطینی را به چیدن گل‌ها تشبیه می‌کند:

کم قد مَشَتْ أَكْبَادُنَا فَوْقَهَا      مِنْ كُلِّ رَوْضٍ زَهْرَةٌ تُقَطَّفُ!  
و کم سَقَيْنَا تُرْبَهَا أَنْفُسَا      أَنْقَى مِنْ الْيَاقُوتِ بَلْ أَشْرَفُ!  
(العظم، ۱۹۸۰: ۱۸)

«چه بسیار جگرگوشه‌هایمان که بر روی آن راه می‌رفتند و از هر باغی، گلی چیده می‌شد! و چه بسیار که ما خاک قدس را با جان‌هایی پاک‌تر از یاقوت و حتی برتر از آن سیراب کردیم!»

شاعر در دو بیت زیر، به شهادت کودکان و نوزادان در آغوش مادر اشاره می‌کند:

قَدْ أَعْمَصَ الْأَجْفَانُ فِي هِدَاةِهِ      وَ نَعْرُهُ فِي النَّدَى لَمْ يُفْطَمِ  
مَنْ مَرَّقَ الطِّفْلَ بِلَا رَحْمِهِ      فَمَاتَ بَيْنَ الصَّدْرِ وَالْمِعْصَمِ  
(همان: ۲۰)

«پلک‌ها را به آرامی بر هم نهاد، در حالی که سینه مادر در دهان داشت و از شیر گرفته نشده بود. چه کسی کودک را در آغوش مادرش با بی‌رحمی درید؟»

شاهرخی نیز به هیچ وجه از این جنایت‌ها چشم‌پوشیده بلکه در دو بیت زیر، به این مهم پرداخته است:

بین که خیبریان آشکار و بی پروا      به خون کشند چسان مردم فلسطین را  
 بین چو باد خزان ستمگران پلید      به زیر خاک سپارند یاس و نسرین را  
 (اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

وی در دو بیت زیر، با قلبی آکنده از غم و اندوه، به شهادت کودکان و نیز حزن و زاری مادران داغ دیده می پردازد:

ز مرگ کودک دلبنده، مادران را بین      به رخ ز دیده فشاند اشک خونین را  
 ز بس ستاره که شد زیر ابر خون پنهان      به غیر مویه نوا نیست ساز پروین را  
 (همان)

یکی دیگر از پیامدهای غمباری که به دنبال اشغال فلسطین گریبانگیر مردم شده، تخریب منازل و آوارگی آنان است که مشکلات فراوانی برای آنان ایجاد کرده است. بسیاری از مردم فلسطین، به کشورهای همسایه پناه بردند. یوسف العظم در بیت زیر، با لحنی اندوهناک به این مضمون می پردازد:

إِن مَزَقَ الْغَاصِبُ أَرْحَامَنَا      وَ قَوْمُنَا فِي الْأَرْضِ قَدْ شُرِّدُوا  
 فَمَا لَنَا غَيْرُ هُتَافِ الْعُلَى:      إِنَّا لَغَيْرِ اللَّهِ لَا نَسْجُدُ  
 (العظم، ۱۹۸۰: ۱۴)

«اگر دشمن غاصب خویشاوندان ما را پراکنده کند و قوم ما نیز در زمین آواره شده اند، پس ما غیر از شعار شرف و بزرگواری نداریم: بدون شک ما جز برای خدا سجده نمی کنیم.»  
 جذبه نیز با لحنی غمگین، آوارگی مردم را چنین بیان می کند:

أَي خَلَقَ تَوَازِجَ الْعَدَا      آواره به کوه و دشت و صحرا  
 (شاهرخی، ۱۳۷۰: ۲۵۶)

### ۳- نتیجه گیری

پس از بررسی و تحلیل قدس سروده های یوسف العظم و محمود شاهرخی، نتایج زیر حاصل شد:



- ۱- به دنبال تخریب بیت المقدس و نابودی تاریخ آن توسط اشغالگران، یوسف العظم و محمود شاهرخی توانسته‌اند، با موهبت شعری خویش تاریخ روشن قدس را بازگو کنند.
- ۲- یوسف العظم و محمود شاهرخی، با بیان ویژگی‌های قدس، مانند قداست و جایگاه معنوی آن نزد ادیان الهی و بویژه اسلام، به مردم فلسطین و نیز عموم مسلمانان متذکر شده‌اند که برای مقابله و پیکار با دشمن برخیزند و اجازه ندهند که چنین مکانی با ارزش‌های والا، هتک حرمت شود.
- ۳- هر دو شاعر با تجربه شعری خویش توانسته‌اند، با لحنی سرشار از حزن و اندوه، اشغال قدس، کشتار و آوارگی مردم را در سروده‌های خود ترسیم کنند.
- ۴- با توجه به فاجعه دردناک و تلخ قدس، دو شاعر امیدبخشی را از وظایف خویش می‌دانند و علاوه بر ذکر مشکلات و گرفتاری‌های موجود، مردم را به پیروزی و نصرت الهی امید می‌دهند.
- ۵- اقتباس لفظی و معنایی از قرآن کریم و بهره‌گیری از واژگان، داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی، از ویژگی‌های بارز سروده‌های یوسف العظم و شاهرخی است. این مهم، علاوه بر اینکه بیانگر بینش دینی و نگاه قرآنی دو شاعر است، به زیبایی و باروری کلام آن دو نیز افزوده است.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

#### ۱- قرآن کریم

- ۲- **نهج البلاغه**. (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی. چاپ سوم. بوشهر: مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام.
- ۳- اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۵). **کوه‌ها سنگ می‌زایند**. تهران: صریر.
- ۴- بیگی حبیب آبادی، پرویز. (۱۳۸۲). **حماسه‌های همیشه**، جلد ۲. تهران: فرهنگ گستر و صریر.
- ۵- حیدر محمود، و سمیر قطامی و همکاران. (۲۰۰۲). **مختارات شعریه اردنیه**. عمان: أمانة عمان الكبرى.
- ۶- شاهرخی، محمود. (۱۳۷۰). **در غبار کاروان**. تهران: کیهان.
- ۷- صفاتاج، مجید. (۱۳۹۰). **فلسطین از اشغال تا انتفاضه**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات مدرسه.

- ۸- صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۹- العارف، عارف. (۲۰۰۵). **المفصل فی تاریخ القدس**. بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- ۱۰- کتانه، حسین عثمان. (۱۹۸۷). **یوسف العظم شاعر القدس**. عمان: دارالبشیر.
- ۱۱- الناعوری، عیسی. (۱۹۸۰). **الحرکه الشعریه فی الضفه الشرقيه**. عمان: وزاره الثقافه.
- ۱۲- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر. (۱۳۷۲). **فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت**. تهران: کیهان.
- ۱۳- النوايسه، نايف عبدالله. (۲۰۰۲). **فلسطين فی الشعر الإردنی**. عمان: دار مجدولای.
- ۱۴- يوسف العظم. (۱۹۸۰). **فی رحاب الأقصى**. بیروت: المكتب الإسلامی.

#### – مقاله‌ها

- ۱- شبستری، معصومه. (۱۳۸۴). «یوسف العظم شاعر الإسلام و القدس». مجله الجمعیه ایرانیه للغه العربیه و آدابها. العدد ۲. صص ۳۳ – ۴۶.
- ۲- النعامی، ماجدمحمد. (۲۰۱۳). القدس فی دیوان (فی رحاب الأقصى) للشاعر یوسف العظم «دراسه تحليلیه». مجله الجامعه الإسلامیه للبحوث الإنسانیه. المجلد ۱۱. العدد ۱. صص ۱۸۷ – ۲۲۷.